

اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق

Effectiveness of positivist psychotherapy on the psychological wellbeing, forgiveness and marital burnout in the women exposed to divorce

Nila Elmimanesh

Maryam Zhaleh

نیلا علمی‌منش *

مریم ژاله **

abstract

The emergence of marital disagreements and divorce, seriously damages the women's psychological, emotional and communicative components of the women. Therefore the present study was conducted with the purpose of investigating effectiveness of positivist psychotherapy on psychological wellbeing, forgiveness and marital burnout of the women exposed to divorce in the city of Isfahan. It was quasi-experimental study with the pretest, posttest and control group design. The statistical population of this study included all the women asking for divorce in the city of Isfahan who were selected through available sampling method and were replaced into experimental (15 individuals) and control (15 individuals) groups. Psychological wellbeing questionnaire, questionnaire of tendency to forgiveness and the questionnaire of marital burnout were used. The data were analyzed through ANCOVA method. The results showed that the positivist psychotherapy is effective on psychological wellbeing, forgiveness and marital burnout of the women exposed to divorce in the city of Isfahan ($p \leq 0.05$). Therefore this therapy could lead to the improvement of psychological wellbeing and forgiveness of the women exposing to divorce and decrease of marital burnout. According to the results it can be concluded that the positivist psychotherapy can be considered an effective therapy to improve psychological wellbeing, and forgiveness of the women exposing to divorce and decrease of their marital burnout through training concepts such as hope and optimism as an effective therapy.

Key words: *positivist psychotherapy, psychological wellbeing, forgiveness, marital burnout*

چکیده

بروز اختلافات زناشویی و طلاق، مؤلفه‌های روان‌شناختی، هیجانی و ارتباطی زنان را با آسیب جدی مواجه می‌سازد. بر این اساس هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق زنان شهر اصفهان بود. این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی و طرح از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده همه زنان درخواست‌کننده طلاق مراجعه‌کننده به دادگستری شهر اصفهان در سه‌ماهه تابستان ۱۳۹۷ بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در دو گروه گواه (۱۵ نفر) و آزمایش (۱۵ نفر) قرار گرفتند. در این پژوهش از سه پرسشنامه روان‌درستی، پرسشنامه گرایش به بخشش و پرسشنامه بی‌رمقی زناشویی استفاده شد. داده‌ها با آزمون تحلیل کوواریانس تحلیل شد. برآیندها نشان داد روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق شهر اصفهان تأثیر دارد ($f = 83/96, p < 0/001$). بر این اساس که این درمان توانسته منجر به بهبود روان‌درستی و بخشش زنان در معرض طلاق و کاهش بی‌رمقی زناشویی آن‌ها شود. با توجه به برآیندهای به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه‌گیری نمود که روان‌درمانی مثبت‌نگر می‌تواند با آموزش مفاهیمی همچون امید و خوش‌بینی به‌عنوان یک درمان کارآمد برای بهبود روان‌درستی و بخشش زنان در معرض طلاق و کاهش بی‌رمقی زناشویی آن‌ها به شمار آورده شود.

واژگان کلیدی: *روان‌درمانی مثبت‌گرا، روان‌درستی، بخشش، بی‌رمقی زناشویی*

*. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

ایمیل: nmikaeili@uma.ac.ir

تلفن: ۰۹۱۴۱۹۷۲۲۵۰

** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور بین‌المللی واحد کیش، کیش،

ایران.

مقدمه

بقای خانواده و حفظ ثبات و پایداری آن، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و بنیادی‌ترین نهاد اثرگذار در رشد و بالندگی افراد، نه‌تنها بر اساس مبانی ارزش‌های دینی و ملی، بلکه بر اساس آموزه‌های علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی بسیار حائز اهمیت است. سیر تحولات این نهاد در کشور بیانگر کمرنگ شدن پابندی افراد در جهت حفظ آن است به‌طوری‌که در پنج سال اخیر، آمار کلی بیانگر ۱/۵ برابر شدن سرعت افزایش طلاق^۱ در مقایسه با ازدواج‌ها است. طلاق یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی عصر کنونی است که قطعاً برای گروه بسیاری از انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است زیرا گاهی محیط خانواده آن‌چنان پر آشوب و تحمل‌ناپذیر می‌شود که طلاق تنها راه‌حل باقی‌مانده است (کار و ولچیک، ۲۰۱۵). در ۹ ماهه سال ۱۳۹۵ به ازای هر ۳/۹ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است. در سال ۱۳۹۴ در مقابل هر ۴/۲ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است. آمار ثبت ازدواج به طلاق در سال‌های ۹۳-۹۰ با نوسان‌هایی، دارای رشد صعودی بوده؛ به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۹۰ با رشد ۱/۴ درصد، سال ۱۳۹۱ با رشد ۲/۵ درصد، در سال ۱۳۹۲ با رشد ۴/۳ درصد و در نه‌ماهه پایانی سال ۹۳ با رشد ۲/۸ درصدی، نسبت به مدت مشابه سال پیش، مواجه بوده است (سازمان ثبت‌احوال، ۱۳۹۵).

یکی از عوامل ایجادکننده طلاق در نزد زوجین بروز پدیده بی‌رمقی زناشویی^۲ است (اصغری، عیسی پور هفت‌خوانی و قاسمی‌جوبنه، ۱۳۹۷). بی‌رمقی زناشویی هنگامی بروز می‌کند که زوجها متوجه می‌شوند، علیرغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه زناشویی آن‌ها به زندگی‌شان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده است. بی‌رمقی از پا افتادن جسمی، روانی، عاطفی و ناشی از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات است. سه خصیصه که بیشترین تأثیر را در بی‌رمقی دارند از طریق یک پژوهش به ترتیب، بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی مشخص کرد (گوهری، زهرا کار، نظری و سلیمی، ۱۳۹۵). تحقیقات کارشناسان خانواده نشان می‌دهد که امروزه شیوع بی‌رمقی زناشویی بیشتر شده است. به‌طوری‌که ۵۰ درصد از زوجها در ازدواج خود با بی‌رمقی زناشویی مواجه می‌شوند (نظری، رسولی، حسینی و گرمخانی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از مؤلفه‌های روان‌شناختی آسیب‌پذیر زنان متقاضی طلاق، روان‌درستی^۳ است (اکبر زاده، اکبر زاده و محمد زاده، ۱۳۹۴). روان‌درستی به‌عنوان یکسری از ویژگی‌های روان‌شناختی دخیل در

1. divorce

2. Marital burnout

3. Psychological well-being

کارکرد مثبت انسان مطرح شده است (عقلی، آهی و منصوری، ۱۳۹۷). روان‌درستی به کیفیت تجربه شده زندگی اشاره می‌کند و منعکس‌کننده عملکرد و تجربه روان‌شناختی مطلوب است. معنی لغوی روان‌درستی یک حالت رضایت از شاد بودن، سلامتی و موفقیت است که به تجربه و عملکرد روان‌شناختی مطلوب اشاره می‌کند (تاراشویلی و تاراشویلی، ۲۰۱۵). گورل (۲۰۰۹) روان‌درستی را توانایی شرکت فعالانه در کار و تفریح، خلق روابط معنی‌دار با دیگران، گسترش حس خودمختاری و داشتن هدف در زندگی و تجربه کردن هیجانات مثبت می‌داند. روان‌درستی شامل ابعادی مانند پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، استقلال، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی می‌شود (چو، مارتین، مارگرت، مک دونالد و پون، ۲۰۱۱).

یکی از مؤلفه‌های روان‌شناختی که می‌تواند در آرامش درونی زنان مؤثر باشد، بخشش^۱ است (اخوی ثمرین، نوایی‌نژاد، ثنایی ذاکر و اکبری، ۱۳۹۲). اینرایت و نورث (۱۹۹۸) بخشش را به‌عنوان تغییری جدی در تصمیم‌گیری برای قطع رفتارهای بدخواهانه نسبت به یک شخص خطاکار تعریف کرده‌اند (کاردی، میلیچ، هریس و کرنز، ۲۰۰۷). بخشودن و بخشش یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است. هرچند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است (مایربرگ، ۲۰۱۱). در عموم مواقع بخشش با مؤلفه‌هایی همچون مصالحه، عفو قانونی، چشم‌پوشی و فراموشی اشتباه گرفته می‌شود، درحالی‌که بخشش فرایندی درون‌فردی است که بر اساس آن فرایندهای شناختی، روان‌شناختی، عاطفی و رفتاری فرد در برابر خطا و خطاکار دچار تغییر می‌گردد. در تعریف کلی درباره بخشش می‌توان بیان داشت که بخشش انگیزشی است که باعث کاهش کناره‌گیری، خشم و انتقام نسبت به فرد مسامحه‌کار شده و سبب افزایش احساسات مثبت و جایگزینی آن با احساسات منفی می‌شود (لیچ، گریر و گافت، ۲۰۱۰).

یکی از درمان‌های مؤثر برای زنان متقاضی طلاق، روان‌درمانی مثبت‌گرا^۲ است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی به بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر افزایش روان‌درستی و مؤلفه‌های روان‌شناختی دیگر پرداخته‌اند (یوولیا سزک و همکاران، ۲۰۱۶؛ شوشانی و همکاران، ۲۰۱۶؛ پرویر و همکاران، ۲۰۱۶؛ فیلینک و همکاران، ۲۰۱۵؛ اردشیری لردجانی و شریفی، ۱۳۹۷؛ هنرمند زاده و سجادیان، ۱۳۹۵؛ نوفرستی، روشن، فتی، حسن‌آبادی، پسندیده و شعیری، ۱۳۹۴؛ سلیمانیان، احمد

1. forgiveness

2. Positive Psychotherapy

برآبادی، ارقبایی و وحیدی، ۱۳۹۴). روان‌درمانی مثبت‌گرا، از لحاظ تجربی رویکردی معتبر به روان‌درمانی است که عمده توجه خود را بر اساس بنا نهادن توانمندی‌ها و احساسات مثبت درمان‌جو متمرکز می‌کند و با به فعال‌سازی معنا در زندگی، آسیب روانی را کاهش و در مقابل شادی را افزایش می‌دهد. درمانگران مثبت‌نگر، احساسات و خاطرات مثبت را در فرایند درمان راه انداخته و آن‌ها را کانون توجه قرار می‌دهد. دیگر فرایند مورد استفاده در درمان مثبت‌نگر پرداختن به موضوعات مرتبط با هدف یکپارچه کردن هیجان‌های مثبت و منفی است (رشید، ۲۰۱۵).

با توجه به نگرانی‌های موجود درباره آمار طلاق و افزایش روزافزون آن و با توجه به این امر که خانواده در تمام فرهنگ‌ها همواره نهادی مقدس شمرده شده است، تلاش برای حفظ آن توجه به رشد این نهاد مقدس از دغدغه‌های جاری تمامی اقشار بوده است (گودرزی و بوستانی پور، ۱۳۹۲). در سالیان اخیر شیوع درخواست طلاق در افزایش یافته است که این موضوع برای جامعه پیامدهای خوبی به همراه ندارد، پژوهش‌های زیادی درباره بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق صورت نگرفته و جایگاه خالی این رویکرد، در میان زوجین متقاضی طلاق به چشم می‌خورد؛ بنابراین با توجه به سودمندی اولیه این برنامه آموزشی در جهت کاهش میزان طلاق، مطالعه حاضر قصد دارد تا به بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق شهر اصفهان بپردازد. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی زنان در معرض طلاق تأثیر دارد.
۲. روان‌درمانی مثبت‌گرا بر بخشش زنان در معرض طلاق تأثیر دارد.
۳. روان‌درمانی مثبت‌گرا بر بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق تأثیر دارد.

روش

روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی است که با طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل همه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگستری شهر اصفهان در سال ۱۳۹۷ بودند. این جمعیت در حدود ۹۰ نفر بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ زن متقاضی طلاق انتخاب و به صورت تصادفی، به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. پس از انتخاب نمونه و گمارش تصادفی آزمودنی‌ها در گروه آزمایش و کنترل و اجرای پیش‌آزمون، آزمودنی‌های گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۲ ساعته در جلسات آموزش روان‌درمانی مثبت‌گرا شرکت کردند، درحالی که گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از اتمام جلسات مجدداً پس‌آزمون اجرا

گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل بودن در معرض طلاق، عدم ابتلا به بیماری حاد یا مزمن روان‌شناختی و جسمی، داشتن تحصیلات حداقل سوم راهنمایی و رضایت از شرکت در مطالعه بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش نیز داشتن بیش از دو جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس، عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند انجام پژوهش و بروز حادثه ناخواسته که امکان ادامه حضور فرد در جلسات درمان را مختل می‌کند، بود. گروه آزمایش مداخله درمانی (روان‌درمانی مثبت‌نگر) را در طی دو ماه و نیم در ۱۰ جلسه ۷۵ دقیقه‌ای دریافت نمودند. این در حالی بود که افراد حاضر در گروه گواه این مداخله را در طول فرایند انجام پژوهش دریافت نکردند. لازم به ذکر است که جهت رعایت اخلاق پژوهشی رضایت زنان برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. هم‌چنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود.

ابزارها

پرسشنامه روان‌درستی^۱. پرسشنامه روان‌درستی توسط ریف (۱۹۹۵) با هدف سنجش روان‌درستی طراحی شد. این آزمون دارای ۵۴ سؤال است که ۶ مؤلفه اصلی الگوی روان‌درستی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ هر زیر مقیاس شامل ۹ عبارت است. زیرمقیاس‌های ۶ گانه پرسشنامه روان‌درستی شامل روابط مثبت با دیگران (سؤالات: ۳۹/۴۷، ۳۲/۳۴، ۲۴/۳۲، ۱۵/۱۰، ۱/۵)؛ زندگی هدفمند (سؤالات: ۴۶/۴۲، ۳۸/۳۳، ۳۰/۲۷، ۲۲/۱۳، ۸)؛ تسلط محیطی (سؤالات: ۵۳/۴۹، ۳۶/۲۹، ۲۰/۱۷، ۱۲/۷، ۲)؛ خودمختاری (سؤالات: ۵۲/۴۴، ۴۰/۳۵، ۲۵/۱۹، ۱۶/۱۱، ۶) و رشد فردی (سؤالات: ۵۴/۵۰، ۴۵/۴۱، ۳۷/۲۶، ۲۱/۱۸، ۳) است. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه از (۱) کاملاً مخالفم تا کاملاً موافق (۶) می‌باشد. برای به دست آوردن نمره مربوط به هر مقیاس کافی است نمره هر عبارت مربوط به زیرمقیاس موردنظر را با هم جمع کرد. آلفای به‌دست‌آمده برای پذیرش خود (۰/۹۳)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۹۱)، خودمختاری (۰/۸۶)، تسلط بر محیط (۰/۹۰)، هدفمندی در زندگی (۰/۹۰) و رشد شخصی (۰/۸۷) گزارش شده است (ریف، ۱۹۹۵). در نمونه ایرانی ضریب پایایی برای ابعاد پرسشنامه روان‌درستی به ترتیب خودمختاری (۰/۷۶)، تسلط بر محیط (۰/۹۰)، رشد فردی (۰/۸۷)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۹۱)، زندگی هدفمند (۰/۹۰) پذیرش خود (۰/۹۳) گزارش شده

1. Psychological well-being questionnaire

است (اورنگ، هاشمی زرنی، عبداللهی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی نمره کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه گرایش به بخشش^۱. پرسشنامه گرایش به بخشش توسط تامپسون، اشنایدر، هافمن (۲۰۰۵) طراحی شد و دارای ۱۸ سؤال است و میزان گرایش به بخشش در افراد با توجه به خود-گزارشی^۲ فرد مشخص می‌شود. این پرسشنامه از سه زیرمقیاس خودبخشی (سوالات ۱-۶)، دیگر بخشی (سوالات ۷-۱۲) و موقعیت بخشی (۱۳-۱۸) طراحی شده است. هر سؤال دارای طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از همیشه غلط (نمره ۱) تا همیشه صحیح (نمره ۷) است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده توسط تامپسون اشنایدر، هافمن (۲۰۰۵) به ترتیب برای مقیاس‌های خودبخشی (۰/۷۲)، دیگر بخشی (۰/۷۵) و موقعیت بخشی (۰/۷۷) گزارش شده است. پایایی و روایی این پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ توسط تقوایی و میرزایی (۱۳۹۶) بر روی ۳۰۱ دانشجوی، برای کل پرسشنامه (۰/۸۰) و برای خرده مقیاس‌های بخشودن خود (۰/۷۵)، بخشودن دیگران (۰/۸۰) و بخشایش موقعیت (۰/۶۳) گزارش شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش زندی پور و یادگاری (۱۳۸۶) نیز ۰/۹۶ به دست آمد. در پژوهش هنرپوران (۱۳۹۳) نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و با استفاده از روش دونیمه سازی ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی نمره کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه بی‌رمقی زناشویی. پرسشنامه بی‌رمقی زناشویی توسط پانیز (۱۹۹۶) با هدف سنجش میزان بی‌رمقی زناشویی زوجین طراحی شد و دارای ۲۰ سؤال است و به صورت طیف لیکرت ۷ درجه‌ای هرگز (۱) تا همیشه (۷) نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای سه بعد خستگی جسمی (احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی و در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در ۲۴۰ مورد ۰/۸۶ و ضریب پایایی به روش بازآزمایی را در فواصل یک، دو و چهار ماه ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ گزارش شده است (پانیز و همکاران، ۱۹۹۶). در ایران هواسی زهرا کار و محسن زاده (۱۳۹۵) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی نمره کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

1. Willingness forgiveness questionnaire
2. self-report

مداخله

نشست اول: معارفه اعضاء گروه به یکدیگر و برقراری ارتباط اولیه، مروری بر قوانین گروه، ساختار و اهداف جلسات، ارائه دورنمایی از برنامه جلسات آتی.

نشست دوم: چهار چوب‌دهی درمان‌جویان بر اساس روان‌درمانی مثبت‌نگر، درخواست از درمان‌جویان برای نوشتن داستان معرفی مثبت خودشان، ارائه تکلیف خانگی.

نشست سوم: ارائه خلاصه از جلسه قبل و دریافت بازخورد، مرور داستان معرفی مثبت و شناسایی و بحث در مورد توانمندی‌های درون داستان، درخواست از درمان‌جویان برای طراحی یک طرح خاص برای به اجرا در آوردن توانمندی‌ها، ارائه تکلیف خانگی.

نشست چهارم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، تمرکز بر سازه بخشش و معرفی آن به‌عنوان ابزاری برای از بین بردن هیجان‌های منفی، ارائه تکلیف خانگی.

نشست پنجم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، تمرکز بر سازه شکرگزاری و معرفی مزایای آن به‌صورت پیامدهای روان‌شناختی، فیزیکی و میان فردی و به‌ویژه افزایش احساس رضایت از زندگی، ارائه تکلیف خانگی.

نشست ششم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، آموزش رضایت در برابر کمال‌خواهی به درمان‌جویان، درگیر کردن درمان‌جویان در تکلیفی به‌منظور افزایش رضایت از زندگی، ارائه تکلیف خانگی.

نشست هفتم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، تمرکز بر موضوع‌های امید و خوش‌بینی، آموزش مفهوم اسنادها به درمان‌جویان، آموزش اسنادهای درونی، کلی و پایدار به درمان‌جویان برای افزایش امید و خوش‌بینی آنان، ارائه تکلیف خانگی.

نشست هشتم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، تمرکز بر عشق و دل‌بستگی، توصیه به درمان‌جویان برای برقراری ارتباط و پیوند با دیگران، ارائه تکلیف خانگی.

نشست نهم: ارائه خلاصه‌ای از جلسه قبل و دریافت بازخورد، آشنا کردن درمان‌جویان با مفهوم حس‌ذائقه، آموزش به درمان‌جویان برای مشارکت در فعالیت‌های لذت‌بخش، ارائه تکلیف خانگی.

نشست دهم: بررسی تکالیف، دریافت بازخورد از اعضاء، بررسی پیشرفت‌ها و دستاوردهای به‌دست آمده، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، گفتگو در مورد تعمیم یافته‌ها و کاربرد مباحث در زندگی، اجرای پس‌آزمون.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل کوواریانس (به دلیل کنترل نمرات پیش آزمون) استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی نشان داد که افراد نمونه پژوهش دارای دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال بودند که در این بین دامنه سنی ۲۹ تا ۳۲ سال دارای بیشترین فراوانی بود (۶۶/۲۶ درصد). از طرفی بیشتر این افراد خانه دار بودند (۳۳/۶۳ درصد). بیشترین فراوانی نیز در رابطه با سطح تحصیلات، مربوط به سطح تحصیلی لیسانس بود (۴۱ درصد). مدت زمان ازدواج این افراد در بازه ۳ تا ۱۷ سال بود که بیشترین فراوانی مربوط به بازه زمانی ۳ تا ۵ سال بود (۳۰ درصد). ۷۳/۳۳ درصد این زنان نیز دارای فرزند بودند. حال یافته‌های توصیفی پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی روان درستی، بخشش و بی رمقی زناشویی زنان متقاضی طلاق

گروه‌ها	پیش آزمون		پس آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
گروه آزمایش	روان درستی	۱۵۸/۳۳	۱۷/۳۱	۱۳۲/۷۳
	بخشش	۵۱/۰۶	۸/۷۷	۶۵/۷۳
	بی رمقی زناشویی	۸۹/۷۳	۱۵/۰۴	۶۴/۷۳
گروه گواه	روان درستی	۱۵۶/۴۰	۱۴/۵۵	۱۵۶/۵۳
	بخشش	۴۶/۶۰	۸/۱۱	۴۷/۲۶
	بی رمقی زناشویی	۹۲/۲۶	۱۲/۲۱	۹۲/۶۶

قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون کوواریانس، پیش فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک^۱ بیانگر آن بود که پیش فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیرهای روان درستی، بخشش و بی رمقی زناشویی در گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون برقرار است ($f=0.84, 0.79, 0.80, p>0.05$). همچنین پیش فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته می‌داد پیش فرض همگنی واریانس‌ها در هر سه متغیر روان درستی، بخشش و بی رمقی زناشویی رعایت شده

1. Shapiro-wilk

است ($f=0.79, 0.69, 1.02$ $p>0.05$). از طرفی نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت میانگین نمرات پیش آزمون گروه‌های آزمایش و گواه در متغیرهای وابسته (روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی) معنادار نبوده است ($f=0.73, p>0.05$). حال به ارائه نتایج جداول استنباطی پرداخته می‌شود.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان متقاضی طلاق

متغیر	گروه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
روان‌درستی	همپراش	۱۱۲۰/۱۰	۱	۱۱۲۰/۱۰	۸/۴۵	۰/۰۰۷	۰/۲۳	۰/۸۰
	گروه	۴۵۰۸/۰۱	۱	۴۵۰۸/۰۱	۳۴/۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۶	۱
	خطا	۳۵۷۶/۵۶	۲۷	۱۳۲/۴۶				
بخشش	همپراش	۲۸۹/۶۷	۱	۲۸۹/۶۷	۳/۹۷	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۴۹
	گروه	۱۹۶۱/۴۲	۱	۱۹۶۱/۴۲	۲۶/۹۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۰	۱
	خطا	۱۹۶۶/۱۹	۲۷	۷۲/۸۲				
بی‌رمقی زناشویی	همپراش	۱۸۵۷/۶۵	۱	۱۸۵۷/۶۵	۳۶/۸۱	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵	۱
	گروه	۵۱۹۰/۵۸	۱	۵۱۹۰/۵۸	۱۰۲/۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۷۹	۱
	خطا	۱۳۶۲/۶۱	۲۷	۵۰/۴۶				

با توجه به نتایج جدول ۲، ارائه متغیر مستقل (روان‌درمانی مثبت‌گرا) توانسته منجر به ایجاد تفاوت معنادار میانگین نمرات متغیرهای وابسته (روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان متقاضی طلاق) در مرحله پس آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ گردد؛ بنابراین می‌توان گفت نمرات متغیرهای روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان متقاضی طلاق دچار تغییر معنادار شده است. بدین صورت که بر اثر آموزش روان‌درمانی مثبت‌گرا میانگین مؤلفه‌های روان‌درستی و بخشش در گروه آزمایش افزایش معنادار و مؤلفه بی‌رمقی زناشویی دچار کاهش معنادار شده است. همچنین با توجه به اندازه اثر متغیرهای فوق می‌توان گفت که به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۵۰ و ۰/۷۹ تغییرات متغیرهای روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان متقاضی طلاق توسط عضویت گروهی (روان‌درمانی مثبت‌گرا) تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر روان‌درستی، بخشش و بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق شهر اصفهان انجام شد. یافته اول پژوهش بیانگر آن بود که روان‌درمانی مثبت‌گرا توانسته منجر به بهبود روان‌درستی زنان در معرض طلاق شود. همسو با نتایج پژوهش حاضر نوفرستی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روان‌درمانی

مثبت گرا یک روش درمانی کوتاه مدت مؤثر برای کاهش علائم و نشانه های افسردگی و افزایش شادکامی و بهزیستی روان شناختی است. همچنین نتیجه این فرضیه با نتایج هنرمند زاده و سجادیان (۱۳۹۵) همسو بود. نتایج پژوهش مذکور نشان داد مداخله مثبت نگر گروهی روشی مناسب برای بهبود روان درستی است. در تبیین یافته حاضر باید گفت در مداخله مثبت نگر، افراد سعی می کنند ویژگی های مثبت را شناسایی و نام گذاری کنند. این بدین معنا نیست که از نظر روان شناسی مثبت نگر تجارب منفی اهمیت ندارند. در مداخلات مثبت نگر، گاه افراد کاملاً در مورد مشکلاتشان صحبت و گاه هیجانات منفی را دوباره تجربه می کنند (یوولیا سزک و همکاران، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، هدف دیدگاه مثبت نگر، تبدیل همه هیجانات منفی افراد به هیجانات مثبت نیست. گاه افراد در مورد خاطرات تلخ و رنجش هایشان حرف می زنند و گاه از آن ها خواسته می شود که خاطرات تلخ را بنویسند تا با این کار دردهای شناختی و هیجانی مرتبط با آن خاطره کاهش یابد. این فرایند سبب می شود به مرور روان درستی آن ها بهبود یابد.

یافته دوم پژوهش بیانگر آن بود که روان درمانی مثبت گرا توانسته منجر به بهبود بخشش زنان در معرض طلاق شود. همسو با این نتایج سلیمانیان، احمد برآبادی، ارقبایی و وحیدی (۱۳۹۴) در نتایج پژوهش خود نشان داده اند که روان درمانی مثبت گرا می تواند منجر به بهبود بخشش و بخشایشگری شود. در تبیین یافته حاضر باید گفت در مداخله روان درمانی مثبت گرا تمرین هایی در رابطه با شناسایی و نام گذاری ویژگی های مثبت و همچنین تمرین هایی در مورد نوشتن هیجانات منفی با روشی خاص وجود دارد (شوشانی و همکاران، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، به نظر می رسد که روان درمانی مثبت نگر از طریق افزایش احساس لذت، تقویت توانمندی ها و ویژگی های مثبت فردی و استفاده از آن ها در زندگی روزمره و افزایش احساس معنا و هدفمندی در زندگی می تواند باعث کاهش علائم و نشانه های خلق پایین و افزایش بخشش زنان شود.

یافته سوم پژوهش بیانگر آن بود که روان درمانی مثبت گرا توانسته منجر به کاهش بی رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق شود. در پژوهشی همسو اردشیری لردجانی و شریفی (۱۳۹۷) نشان دادند که روان درمانی مثبت گرا می تواند منجر به بهبود بخشایشگری و کاهش بی رمقی زناشویی زنان آسیب دیده خیانت زناشویی شود. در تبیین این یافته می توان بیان نمود که در جریان ارائه روان درمانی مثبت گرا، افراد در جهت شناخت توانایی ها، قابلیت ها و جنبه های مثبت خود و اطرافیان گام بر می دارند که این امر منجر به بهبود نگرششان نسبت به دیگران نظیر همسر خود می شود. این فرایند باعث می شود که زنان در معرض طلاق با به کارگیری قوه خوش بینی حاصل از آموزش روان درمانی مثبت نگر و همچنین با تمرکز بر نقاط مثبت همسر خود، از میزان بی رمقی زناشویی آن ها کاسته شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادات

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همچون محدودیت جامعه آماری (زنان در معرض طلاق مراجعه کننده به دادگستری اصفهان)، محدودیت در نمونه گیری تصادفی (نمونه گیری در دسترس)، محدودیت جغرافیایی (شهرستان اصفهان) و عدم برگزاری مرحله پیگیری مواجه بود. بر این مبنا توصیه می گردد پژوهش حاضر با جامعه آماری و محدوده جغرافیایی دیگر و نیز با شیوه نمونه گیری تصادفی و برگزاری مرحله پیگیری انجام شود تا روایی بیرونی پژوهش ارتقاء یابد. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش کنونی توصیه می گردد که مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی، برای بهبود روان‌درستی و بخشش و کاهش بی‌رمقی زناشویی زنان در معرض طلاق، از روان‌درمانی مثبت گرا استفاده نمایند تا بتوان از این طریق در فرایندهای روان‌شناختی این افراد تغییراتی را ایجاد نمود.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمام زنان شرکت کننده در پژوهش، خانواده‌های آنان و مسئولین مراکز مشاوره دادگستری اصفهان، تشکر و قدردانی می گردد.

منابع

- اخوی ثمرین، زهرا؛ نوایی نژاد، شکوه؛ ثنایی ذاکر، باقر و اکبری، مهدی. (۱۳۹۲). سبک‌های دل‌بستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی، مجله مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، ۱۱(۲): ۵۵-۸۲.
- اردشیری لردجانی، فهیمه و شریفی، طیبه. (۱۳۹۷). اثربخشی روان‌درمانی مثبت گرا بر بخشایشگری و بی‌رمقی زناشویی زنان آسیب‌دیده خیانت زناشویی، مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۴(۱): ۴۶-۳۳.
- اصغری، فرهاد؛ عیسی پور هفت‌خوانی، خدیجه؛ قاسمی جوبنه، رضا. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان متقاضی طلاق. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۷(۱): ۱۴-۲۱.
- اکبر زاده، داوود؛ اکبر زاده، حسن؛ محمد زاده، علی. (۱۳۹۴). مقایسه مهارت‌های ارتباطی، بهزیستی روانی و ناتوانی هیجانی در بین زنان متقاضی و غیر متقاضی طلاق، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۲۳(۱): ۹۴-۱۰۵.
- اورنگ، سهیلا؛ هاشمی رزینی، هادی و عبداللهی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با معنای زندگی و روان‌درستی سالمندان. مجله سالمندی ایران، ۱۲(۳): ۳۲۶-۳۴۵.

- زندى پور، طييه؛ يادگارى، هاجر. (۱۳۸۶). بررسى رابطه بخشش با رضايت زناشويى در دانشجويان زن متأهل دانشگاه تهران، مجله مطالعات اجتماعى- روان‌شناختى زنان، ۵(۳): ۱۲۲-۱۰۹.
- سليمانيان، على‌اکبر؛ احمد برآبادى، حسيم؛ ارقبايى، محمد و وحيدى، شعيب. (۱۳۹۴). اثربخشى گروه‌درمانى مثبت‌گرا بر مؤلفه‌هاى روانى مثبت مادران داراي کودک استثنائى، *اولين همائش علمى پژوهشى روانشناسى، علوم تربيتى و آسيب‌شناسى جامعه*، به صورت الکترونيکى، شرکت طلاى سبز، انجمن پايش.
- عقلى، الهام؛ آهى، قاسم؛ منصورى، احمد. (۱۳۹۷)، نقش سه گانه‌هاى تاريخک شخصيت در پيش‌بيني روان‌درستى و سبک‌هاى شوخ‌طبعى پرستاران. *روان پرستارى*، ۶(۲): ۴۱-۴۹.
- گوهرى، شيوا؛ زهرا کار، كيانش؛ نظرى، على محمد و سليمى، هادى. (۱۳۹۵). پيش‌بيني فرسودگى زناشويى بر اساس ويژگى‌هاى شخصيتى و صميميت جنسى در پرستاران زن متأهل در بيمارستان‌هاى منتخب خصوصى تهران، *مجله مراقبت‌هاى پيشگيرانه در پرستارى و مامائى*، ۶(۳): ۷۰-۵۹.
- نظرى، على محمد؛ رسولى، محسن؛ داورنيا، رضا؛ حسيني، امين؛ بابايى گرمخانى، محسن. (۱۳۹۴). اثربخشى درمان کوتاه‌مدت راه‌حل محور بر فرسودگى زناشويى و ميل به طلاق در زنان متأهل، *مجله روان پرستارى*، ۳(۳): ۵۲-۴۱.
- نوفرستى، اعظم؛ روشن، رسول؛ فتى، لادن؛ حسن آبادى، حميدرضا؛ پسنديده، عباس و شعيرى، محمدحسين. (۱۳۹۴). اثربخشى روان‌درمانى مثبت‌گرا بر شادكامى و بهزيستى روان‌شناختى افراد داراي نشانه‌هاى افسردگى: مطالعه تك آزمودنى با چند خط پايه، *پژوهشنامه روانشناسى مثبت*، ۱۱(۱): ۱۸-۱.
- هنرپروران، نازنين. (۱۳۹۳). بررسى اثربخشى رويکرد پذيرش و تعهد بر بخشش و سازگارى زناشويى زنان آسيب‌ديده از خيانت همسر، *فصلنامه زن و جامعه*، ۵(۲): ۱۵۱-۱۳۵.
- هنرمند زاده، ريحانه؛ سجاديان، الناز. (۱۳۹۵). اثربخشى مداخله مثبت‌نگر گروهى بر روان‌درستى، تاب‌آورى و شادكامى دختران نوجوان بى‌سرپرست، *پژوهش‌نامه روانشناسى مثبت*، ۲(۲): ۵۰-۳۵.
- هواسى، ناهيد؛ زهرا کار، كيانش؛ محسن زاده، فرشاد. (۱۳۹۵). بررسى اثربخشى زوج‌درمانى گروهى به روش گاتمن بر کاهش فرسودگى زناشويى زوجين. *فصلنامه روان پرستارى*، ۴(۶): ۹-۶۴.

References

- Cardi, M., Milich, R., Harris, M.J., Kearns, E. (2007). Self-esteem moderates the response to forgiveness instructions among women with a history of victimization. *Journal of Research in Personality*, 41(4): 804-819.
- Carr, C. M., & Wolchik, S. A. (2015). Marital Status, divorce, and child development. In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences: Second Edition* (pp. 518-524). Elsevier Inc.

- Cho, J., Martin, P., Margrett, J., MacDonald, M. and Poon, L.W. (2011). The Relationship between Physical Health and Psychological Well-Being among Oldest-Old Adults, *Journal of Aging Research*, 2011, Article ID 605041, 8pages.
- Flink, I.K., Smeets, E., Bergbom, S., Peters, M.L. (2015). Happy despite pain: Pilot study of a positive psychology intervention for patients with chronic pain, *Scandinavian Journal of Pain*, 7: 71–79.
- Gurel, N.A. (2009). *Effects of thinking styles and gender on psychological well-being*. [dissertation]. The graduate school of social sciences of Middle East Technical University; 1-70.
- Leach, M., Greer, T., & Gaughf, J. (2010). Linguistic analysis of interpersonal forgiveness: Process trajectories. *Journal of Personality and Individual Differences*, 48: 117–122.
- Lyubomirsky, S., Layous, K. (2013). How do simple positive activities increase well-being? *Current Directions in Psychological Science*, 22 (1), 57-62.
- Myerberg, L. (2011). *Forgiveness and Self-Regulation: Forgiveness as a Mechanism of Self-Regulation. An Ego-Depletion Model* (Doctoral dissertation, Honors Thesis in Psychology University of Richmond).
- Proyer, R.T., Gander, F., Wellenzohn, S., Ruch, W. (2016). Nine beautiful things: A self-administered online positive psychology intervention on the beauty in nature, arts, and behaviors increases happiness and ameliorates depressive symptoms, *Personality and Individual Differences*, 94: 189–193.
- Rashid, T. (2015). Positive Psychotherapy: A strength-based approach. *The Journal of Positive Psychology*, 10, 25-40.
- Shoshani, A., Steinmetz, S., Kanat-Maymon, Y. (2016). Effects of the Maytiv positive psychology school program on early adolescents' well-being, engagement, and achievement, *Journal of School Psychology* 57: 73–92.
- Turashvili, T., Turashvili, M. (2015). Structural Equation Model of Psychological Well-being, a Georgian Exploration. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 190: 4-9.
- Uliaszek, A.A., Rashid, T., Williams, G.E., Gulamani, T. (2016). Group therapy for university students: A randomized control trial of dialectical behavior therapy and positive psychotherapy, *Behavior Research and Therapy*, Behavior Research and Therapy 77: 78-85.

Reference in Persian

- Aghli, E., Ahi, G.H., Mansoori, A. (2018). The role of triple dark personality in predicting psychological well-being and nurses' humor styles. *Psycho-Nursing*, 6 (2): 41-49.
- Akbarzadeh, D., Akbarzadeh, H., Mohammadzadeh, A. (2015). Comparison of communication skills, psychological well-being and emotional disability among applicants and divorced women, *Journal of Kerman University of Medical Sciences*, 23 (1): 94-105.

- Akhavismarin, Z., Navabinejad, S., Sanaei Zakar, B., and Akbari, M. (2013). Attachment styles and amount of forgiveness among female applicants for divorce and normal women, *Journal of Social-Psychological Studies of Women*, 11 (2): 82-55.
- Ardeshtiry Lordajani, Fahimeh and Sharifi, Tayebbeh (2018). the effectiveness of positivist psychotherapy on marital forgiveness and burnout in the women damaged by marital betrayal, *Pathology, Family Advice and Enrichment*, 4 (1): 33-46.
- Asghari, F., Isapur Haftkhanani, K., Ghasemi-Jabaneh, R. (2018). The Effectiveness of Emotion Regulation Training on Marital Burning and Emotional Divorce of Female Applicants for Divorce. *Quarterly Journal of Social Work*, 7 (1): 14-21.
- Gohari, SH., Zahrakar, K., Nazari, A.M., Salimi, H. (2016). Prognosis of marital boredom based on personality traits and sexual intimacy in married women's nurses in selected private hospitals in Tehran, *Journal of Preventive Care in Nursing and Midwifery*, 6 (3): 59-70.
- Havasi, N., Zahrakar, K., Mohsenzadeh, F. (2016). The study of the effect of group therapy coupled with Gutman method on reducing marital fatigue of couples. *Quarterly Journal of Nursing*, 4 (6): 64-69.
- Honarmand Zadeh, R., Sajjadian, E. (2015). The Effectiveness of Positive Group Interventions on Psychological Well-being, Resilience and Happiness of Unmarried Adolescent Girls, *Positive Psychological Research*, 2 (2): 35-50.
- Honarparvaran, N. (2014). Investigating the Effectiveness of Adoption and Commitment Approach on Divorce and Marital Adaptation of Women Affected by Spouse's Violence, *Journal of Women and Society*, 5 (2): 135-151.
- Nazari, A.M., Rasooli, M., Davarnia, R., Hosseini, A., Babaei Gorkhani, M. (2016). Effectiveness of short-term solution-based treatment on marital boredom and desire for divorce in married women, *Journal of Nursing*, 3 (3): 41-52.
- Nofarsti, A., Roshan, R., Fati, L., Hassan Abadi, H.R., Pasandideh, A., Shaeiri, M.H. (2016). The Effect of Positive Psychotherapy on Happiness and Psychological Well-being of People with Depression Symptoms: A Single-Subject Study with Multiple Basic Lines, *Positive Psychological Research*, 1 (1): 1-18.
- Orang, S., Hashemi Rezini, H., Abdollahi, M.H. (2017). The Relationship between Early Maladaptive Schemes and the Meaning of Life and Psychological Well-being of the Elderly. *Iranian aging magazine*, 12 (3): 326-345.
- Soleimanian, A.A., Ahmadbroadi, H., Arqba'i, M., Vahidi, S. (2015). The Effectiveness of Positive Group Therapy on the Positive Psychological Components of Exceptional Mothers, *The First Scientific Conference on Psychology, Educational Sciences and Community Pathology*, Electronic, Green Gold Company, Pays Association.
- Zandipur, T., Yedgari, H. (2007). Investigating the relationship between forgiveness and marital satisfaction in married women students of Tehran University, *Journal of Social-Psychological Studies of Women*, 5 (3): 109-122.